



براساس گزارش شاخص‌های عربی ۲۰۱۸

اسرائیل در افکار عمومی جهان عرب

برخلاف تبلیغات جبهه رسانه‌ای مخالف کشورمان در منطقه، اطلاعات و تحلیل‌ها نشان‌گر آن است که در جهان عرب، همچنان اسرائیل بزرگترین تهدید به شمار می‌رود و اکثریت مردم در همه کشورهای جهان عرب نگاهی منفی به گرایش برخی دولت‌ها به عادی‌سازی روابط با اسرائیل دارند.

براساس آخرین نظرسنجی منتشر شده، ۹۲٪ افکار عمومی کشورهای مورد بررسی در جهان عرب اسرائیل را تهدیدی برای امنیت و استقرار منطقه دانسته‌اند و تنها ۳٪ با این نظر مخالف بوده‌اند. این آمار نشان‌دهنده افزایش کمی نسبت به نتایج سال ۲۰۱۶ است که ۸۹٪ آن را تهدیدی منطقه‌ای می‌دانستند.

بازخوانی این داده‌ها برای توجه به محدودیت‌ها و موانع نفوذ دیپلماسی عمومی کشور طی سال‌های اخیر و فرصت‌ها و ظرفیت‌های مورد توجه افکار عمومی جهان اسلام بویژه جهان عرب، ضروری است. نکته مهم آن است که این یافته‌ها را به کار نقد و بازنگری استراتژی رسانه‌ای و رفتار بین‌المللی کشور برد و نباید آنها را تنها دست‌مایه پیشبرد دیپلماسی عمومی موجود نمود.

آخرین نمونه از داده‌های در دسترس در این زمینه، گزارش شاخص‌های عربی ۲۰۱۸/۲۰۱۷ است که ششمین گزارش از نظرسنجی سالانه منتشر شده توسط مرکز عربی پژوهش‌ها و مطالعات سیاسی است که پیش‌تر در گزارش ایران در افکار عمومی جهان عرب به موقعیت کشور و حساسیت‌های مرتبط با آن در افکار عمومی منطقه پرداخته شد.

این گزارش به بررسی جهت‌گیری افکار عمومی جهان عرب درباره اسرائیل و طرح‌های صلح مطرح شده اختصاص دارد و البته پیداست که انعکاس نتایج این گزارش، صرف‌نظر از قضاوت درباره محتوای آن، به جهت اعتبار آن، تازگی نتایج و ارائه تصویری دقیق‌تر از نگاه مردم منطقه، شایسته اطلاع و بررسی است و از این رو براساس متن اصلی بدون مداخله و یا نقد محتوا، ارائه می‌شود و تنها برخی نکات توضیحی در جهت درک فضای کلی مطالعه، در پانویس ارائه می‌شود.

مسئله فلسطین و منازعه عربی اسرائیلی

یک بخش از گزارش شاخص‌های عربی، به بررسی رویکردهای افکار عمومی به منازعه با اسرائیل و مسئله محوری فلسطین اختصاص دارد. از پاسخ‌دهندگان پرسیده شده که آیا مسئله فلسطین را مسئله همه عرب‌ها (تعبیر مورد پرسش در نظرسنجی) می‌داند یا آن را مسئله خود فلسطینی‌ها به‌شمار می‌آورند. همچنین از آنها درباره نظرشان درباره

معاهده‌های صلح سه‌گانه امضا شده میان طرف‌های عربی و اسرائیل و نیز موضع آنها در برابر به رسمیت شناختن اسرائیل توسط کشورشان موضوع پرسش قرار گرفته‌است.

درباره نوع تعامل با مسئله فلسطین، اکثریت پاسخ‌دهندگان (۷۷٪) در همه کشورهای محل بررسی آن را مسئله همه عرب‌ها دانسته‌اند. در مقابل ۱۵٪ از پاسخ‌دهندگان آن را مسئله خود فلسطینی‌ها خوانده‌اند. قابل توجه آنکه بیشترین میزان در این باره به کشورهای اردن (۹۰٪)، تونس (۸۹٪)، مصر (۸۵٪)، عربستان سعودی (۸۰٪) و لبنان (۸۰٪) اختصاص دارد که اکثریت مطلق افکار عمومی آنها، مسئله فلسطین را مسئله‌ای فراملی و عربی دانسته‌اند. حداقل این نسبت نیز در خود فلسطین با حدود ۶۴٪ و در عراق با ۶۷٪ و سودان با ۷۲٪ بوده است.

مقایسه جهت‌گیری افکار عمومی در این نظرسنجی (۲۰۱۷/۲۰۱۸) با نظرسنجی‌های پیشین نشان می‌دهد که اعتقاد به فراملی و عربی بودن مسئله فلسطین نسبت به نظرسنجی قبلی (۲۰۱۶) افزایش یافته ولی همچنان از میزان آن در نظرسنجی‌های پیش‌تر از آن کمتر است. این نسبت در ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲/۲۰۱۳ معادل ۸۴٪ بود و در ۲۰۱۴ کاهش یافته به ۷۷٪ رسید. پس از آن در ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ این میزان به حداقل خود یعنی ۷۵٪ رسید و اینک بار دیگر شاهد افزایش آن به حدود ۷۷٪ هستیم.

در مقابل میزان کسانی که معتقدند مسئله فلسطین مسئله خود فلسطینی‌ها است، افزایش یافته است. این نسبت در ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲/۲۰۱۳ حدود ۸٪ و ۹٪ بود و در ۲۰۱۴ افزایش یافته به ۱۴٪ رسید. پس از آن در ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ این میزان به حداکثر خود یعنی ۱۸٪ رسید و اینک بار دیگر شاهد کاهش آن به حدود ۱۵٪ هستیم. در حقیقت با مقایسه آمار ۲۰۱۱ با آمار ۲۰۱۷/۲۰۱۸ می‌بینیم که نسبت کسانی که مسئله فلسطین را مسئله همه جهان عرب می‌دانند در همه کشورها کاهش یافته است؛ ولی این کاهش در خود فلسطین از همه‌جا بیشتر و به میزان ۲۷٪ کاهش بوده است. نکته جالب توجه دیگر افزایش بالای این نسبت در دو کشور مصر و عربستان است که در نظرسنجی قبلی در ۲۰۱۶ شاهد کاهش این نسبت در آنها بودیم. شاید بتوان این تحولات را نشان‌دهنده تغییر نسبت افکار عمومی در این کشورها با تبلیغات و گفتمان عادی سازی روابط می‌توان قلمداد کرد.

آرا درباره عادی‌سازی روابط با اسرائیل و به رسمیت شناختن آن در جهان عرب

به رسمیت شناختن اسرائیل، با مخالفتی جدی و سراسری در جهان عرب روبرو است. نسبت ۸۷٪ مخالف در برابر تنها ۸٪ موافق در میان پاسخگویان، نشان‌دهنده این واقعیت و تاییدکننده صحت دیگر مواضع اعلام شده در این نظرسنجی درباره فراملی دانستن مسئله فلسطین و مخالفت با معاهده‌های صلح امضا شده با اسرائیل است.

بیشترین آمار مخالفت با رابطه با اسرائیل در لبنان (۹۷٪) و اردن (۹۴٪) و تونس (۹۳٪). فلسطین و موریتانی (۹۱٪) است. دو آمار قابل توجه در این میان را باید برجسته کرد:

در سه کشوری که معاهده صلح با اسرائیل امضا کرده‌اند، یعنی مصر، اردن و فلسطین، اکثریت مطلق مردم مخالف عادی‌سازی روابط با این کشور هستند. در اردن این نسبت به ۹۴٪ و در فلسطین به ۹۱٪ و در مصر به ۸۷٪ می‌رسد. در عربستان سعودی، که ظاهراً نظرسنجی به صورت تلفنی در آن صورت گرفته‌است، ۵۵٪ پاسخ‌دهندگان مخالف به رسمیت شناختن اسرائیل و عادی‌سازی رابطه با آن بودند و تنها ۹٪ موافق این روند بودند. نکته قابل توجه آن است که ۳۶٪ پاسخ‌دهندگان حاضر به پاسخ‌گویی به این پرسش نشدند. در واقع از حدود ۳۰٪ کاهش میزان مخالفان نسبت به قبل، تنها ۲٪ به تعداد موافقان افزوده شده‌است و بقیه ترجیح داده‌اند که از اظهار موضع اجتناب کنند.

خلاصه یافته‌های گزارش

تصویر بدست آمده از موقعیت اسرائیل در افکار عمومی جهان عرب، نشانگر بطلان ادعای محور مخالف کشور در منطقه در قلمداد کردن ایران به عنوان خطر اصلی منطقه است و از عدم موافقت و همراهی اکثریت قابل توجهی از مردمان کشورهای منطقه با خط تبلیغاتی مبتنی بر عادی‌سازی رابطه و مناسبات با اسرائیل خبر می‌دهد. تفاوت نتایج میان کشورهای مختلف و تغییر قابل اعتنای نسبت‌ها طی دوره‌های متفاوت نظرسنجی نشان‌دهنده این واقعیت است که افکار عمومی از تبلیغات این مخالفان تاثیر می‌پذیرد ولی این تاثیر اولاً پایدار و همیشگی و از تغییر شرایط، مناسبات و رفتارها هم تاثیر می‌گیرد و ثانياً در مناطق مختلف میزان نفوذ و تاثیرگذاری این تبلیغات یکسان نیست. نحوه استدلال و دلایل ارائه شده مخالفان و موافقان رابطه و عادی‌سازی روابط با اسرائیل در جهان عرب، و تفاوت آن در مناطق جغرافیای مختلف، ماده خامی غنی و شایسته توجه برای طراحی دیپلماسی عمومی، نوسازی ادبیات و گفتار بکارگرفته شده در دیپلماسی رسانه‌ای و سخنان صاحب‌منصبان و مدیران کشور برای توضیح و ترویج عملکرد و مواضع کشور برای افکار عمومی منطقه و جهان اسلام به دست می‌دهد که با مشارکت متخصصان و صاحب‌نظران قابل طراحی خواهد بود.

مواضع محور مقاومت در پی رفتارهای اسرائیل و ترامپ و طرح موضوعاتی چون انتقال سفارت آمریکا به قدس و معامله قرن از سوی ایشان از یک سو، و همراهی و برخورد ضعیف محور سعودی با این موضوعات، فرصتی دوباره برای فروغ و همراهی بخش مهمی از افکار عمومی جهان عرب یافته‌است. استفاده موثر از این فرصت و فائق آمدن بر فضای تیره ایران‌هراسی و تبلیغات علیه کشور، که با خروج آمریکا از برجام و هجوم مستمر دولت آمریکا، فرصت انعکاس مضاعفی یافته‌است، مستلزم دقت و حساسیت در تعامل با افکار عمومی و داشتن نقشه راه در این خصوص است. دو مانع اصلی در این زمینه را باید مورد توجه قرار داد:

بحران سوریه و هجوم تبلیغاتی هفت‌سال گذشته بر محوریت شرایط انسانی مردم این کشور را به عنوان یک نقطه

بحرانی و مهم در معادله افکار عمومی منطقه باید در نظر گرفت و صرف‌نظر از دلایل و استدلال‌های مطرح برای کشور و هم‌پیمانان برای دفاع از اقدام کشور، باید به طراحی سیاستی اعلامی متناسب با حساسیت‌های افکار عمومی در خصوص این کشور و آینده آن، با توجه به موقعیت برتر فعلی، اهتمام ورزید و از اکتفا به تغذیه رسانه‌ای موافقان و همراهان کشور در منطقه، به هدف‌گیری جامعه وسیع‌تری اندیشید که به رغم نگاه منفی یا نگرانی از ایران، به مواضع و استدلال‌ها و رفتارهای جریان تبلیغاتی سعودی و کشورهای همراه آن نیز دل نبسته و راهی غیر از این دوگانه موجود را جستجو می‌کند.

توجه حداکثری به نگرانی‌ها و نارضایتی افکار عمومی منطقه از اسرائیل و محور همسو با آن که آشکارا در مسیر عادی‌سازی روابط و تحمیل معاهداتی جدید به مردم فلسطین گام برمی‌دارد، مستلزم کاستن از نقاط حساسیت برانگیز و دستاویزهای تبلیغاتی جبهه مقابل است که تلاش می‌کند خطر و نفوذ ایران را به عنوان توجیهی برای رفتارهای خود بکار گیرد. اجتناب از سخنان و مواضع بحث‌برانگیز و تقویت کننده ادعای مداخله ایران در کشورهای دیگر و تلاش برای خارج کردن افکار عمومی منطقه از وضعیت ظن و بدگمانی منتشر درباره کشور در اثر تبلیغات مدام و حضور در موقعیت‌های دشوار، ضرورتی حیاتی برای کشور است و این کار نیازمند نشان دادن حسن نیت، توجه به حساسیت‌ها و ظرایف مورد نظر مردم این منطقه با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص هر اقلیم آن است.

موضع‌گیری در همراهی با مردم و مطالبات اجتماعی آنها در منطقه راه اصلی دیپلماسی عمومی کشور است که برای احیا و هم‌ساز کردن اضلاع مختلف آن با یکدیگر و اجتناب از موقعیت‌های پارادوکسیکال باید بکار گرفته شود. برای این کار باید از همه ظرفیت‌های کارشناسی و اجتماعی کشور بهره‌گرفت.

انجام نظرسنجی دقیقی متناسب با نیازها و پرسش‌های اصلی کشور درباره ادراک واقعی مردم جهان عرب از مسائل منطقه‌ای، صحنه رقابت‌های درون منطقه، مدعیات طرفین دو جبهه اصلی موثر و سرانجام تفاوت‌های ظریف موجود میان حساسیت‌ها و ارزیابی‌ها و گرایش‌های کشورهای مختلف، ضرورتی فوق‌العاده دارد. شرایط کشورهای منطقه و تنوع مراکز فعال در آنها، این فرصت را فراهم ساخته‌است که با یاری گرفتن از برخی مراکز افکارسنجی فعال در منطقه، نظرسنجی‌های دقیق متناسب با نیازهای سیاست خارجی کشور طراحی و اجرا گردد. داده‌های چنین مطالعه‌ای برای ارزیابی سیاست خارجی کشور و فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی آن و نیز بایسته‌های طراحی دیپلماسی عمومی فعال و موثری برای کشور حیاتی است.

برای مطالعه و دریافت این گزارش، از لینک دانلود زیر استفاده کنید.